



گفت‌وگو با دکتر «حسین نظام آبادی پور» معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید باهنر کرمان

جامعه و دانشگاه

خارج از این‌که ما ایرانی‌ها بسیار اهل تعارف هستیم، قبل از شروع مصاحبه لازم می‌دانم از همکاری‌های اتاق بازرگانی در مدت زمانی که بنده در سمت معاون پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان هستم، از صمیم قلب تشکر نمایم. به اعتقاد بنده هیچ زمان به اندازه این دوره، دانشگاه و اتاق به عنوان نماینده بخش خصوصی تا این حد به هم نزدیک نبوده و در حل مسایل و مشکلات تشریک مساعی نداشته‌اند و این اتفاق جای بسی تشکر دارد که اتاق بازرگانی آغوش خود را باز کرد و دانشگاه توانست به بخش خصوصی نزدیک شود و توانسته‌ایم یک سری مسایل را با کمک هم حل نماییم. دکتر حسین نظام آبادی پور معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید باهنر کرمان با این اظهارات وارد گفت‌وگو با ما شد؛ گفت‌وگو درباره جایگاه دانشگاه در حل مسایل کلان کشور، محصول دانشگاهی، تأثیر دانشگاه در فقرزدایی، توسعه و... او می‌گوید: در دانشگاه‌های بزرگ دنیا کلیه هزینه‌های دانشگاه توسط صنعت پرداخت می‌شود، اما در ایران بخش خصوصی ارتباط لازم را با دانشگاه شکل نداده است. او معتقد است که از سمت دانشگاه نیاز به پختگی و تجربه بیشتر اعضا هیئت‌علمی و دانشجویان و از سمت صنعت نیز نیاز به انتخاب مدیران شایسته و پژوهش محور است؛ مدیرانی که به پژوهش اعتنا و به دانشگاه اعتماد نمایند، آنگاه دانشگاه در این ارتباط دوطرفه به بطن جامعه رفته و مسایل را حل خواهد کرد. وی می‌گوید دانشگاه استاندارد به دانشگاهی گفته می‌شود که بر مبنای شاخص‌های تعریف شده بین‌المللی در موضوعات آموزش، پژوهش و فناوری اقدام و مطابق مأموریت‌هایش حرکت کند و نیازهای جامعه را برطرف نماید. دکتر نظام آبادی پور یادآوری می‌کند که بر اساس آمار منتشر شده در ایران ۲۶۰۰ واحد دانشگاهی وجود دارد. از این تعداد، در حدود ۱۰۰ دانشگاه استاندارد، رسالت آموزشی و پژوهشی را انجام و به مأموریت فناوری خود ورود کرده‌اند که در چند سال آینده خواهیم دید که موجب شکوفایی جامعه خواهند شد و در حدود ۲۵۰۰ واحد دیگر که من نام «قلک» بر آن‌ها می‌گذارم، محلی برای پول‌سازی صاحبانشان بوده و در واقع کارخانه مدرک فروشی هستند که از مدرک‌سازی خراب‌تر است. او ادامه می‌دهد که وجود ۲۵۰۰ دانشگاه بی‌کیفیت در ایران ناشی از زد و بندهای سیاسی است که باید چاره‌اندیشی شود. نباید دانشگاه‌های غیراستاندارد را دانشگاه بنامیم؛ این‌ها کارخانه تولید مدرک هستند! وی با تأکید بر این‌که محصول دانشگاه شهید باهنر کرمان محصول باکیفیتی است، می‌گوید: مأموریت تعریف‌شده برای این دانشگاه، تربیت نیروی خلاق، ماهر و کارآفرین برای حل مشکلات جامعه است و یکی از کلیدی شاخص‌های این موضوع، پیوستن دانشگاه شهید باهنر به جمع ۱۰۰۰ دانشگاه برتر و ورود به ارزیابی‌های بین‌المللی است که محقق شده است. او همچنین معتقد است که برای هدایت جامعه به سمت توسعه، باید از جنبه اقتصاد به مسایل بیندیشیم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه نمایید.



♦♦ بسیاری بر این باورند که راه‌حل‌های دانشگاه در ایران از حل مسایل کلان کشور ناتوان است و یا تأثیر قابل توجهی در این امر ندارد، به نظر شما چرا چنین وضعی در حوزه دانشگاهی کشور وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است به مأموریت دانشگاه‌ها در کشور ایران توجه نمود، سپس می‌توان گفت آیا دانشگاه توانسته است نقش خود را به خوبی بازی کند یا خیر؟ قدمت دانشگاه‌ها در ایران به حدود ۸۵ سال می‌رسد که این عدد در مقایسه با قدمت ۵۰۰ سال دانشگاه بریتانیا به عنوان یک کشور اروپایی عددی بسیار پایین است؛ به عبارتی دانشگاه‌ها در ایران در دوران طفولیت خود هستند؛ پس نباید از آن‌ها انتظارات بزرگ داشت. مأموریت دانشگاه‌ها تا حدود ۲۰ سال پیش، آموزش عالی و تربیت نیروی متخصص بوده و کارکرد دیگری برای دانشگاه تعریف نشده بود. در آن زمان حرکت، رشد و بالندگی جامعه در گرو تربیت نیروهای متخصص دانشگاهی تعریف می‌شد. اگر نرخ بی‌سوادی در ایران طی همین سال‌ها بررسی شود، نقش دانشگاه و کارهای بزرگی که در راستای تربیت نیروی انسانی انجام داده، مشخص می‌شود، امروز ما به عنوان صادرکننده نیروی انسانی در دنیا مطرح شده‌ایم، بهترین مهندسان آمریکا، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در ایران هستند؛ اگرچه این وضعیت از یک زاویه جای تأسف دارد! بهترین‌های دانشگاه استنفورد در مهندسی برق، فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف ایران هستند. بقیه دانشگاه‌ها در ایران نیز به فراخور وضعیت‌هایی که دارند، در حال تربیت نیروهای متخصص هستند. همان‌طور که اشاره شد، در ایران از حدود بیست سال پیش مأموریت دانشگاه تغییر پیدا کرد و دانشگاه‌ها از آموزشی به پژوهشی سوئیچ کردند. البته در مأموریت، پژوهش و فناوری با هم دیده شد.

نام «آموزش عالی» به «علوم، تحقیقات و فناوری» تغییر پیدا کرد که علوم مصداق آموزش عالی، تحقیقات، پژوهش و فناوری مصداق مسایلی است که از طریق پژوهش منجر به خلق ثروت شوند، قاعده‌تاً فناوری باید تکیه بر کارآفرینی داشته باشد. این تغییر حدود ۲۰ سال است که اتفاق افتاده است؛ به عبارتی دانشگاه‌ها به عنوان نهادی تعریف می‌شوند که ذاتاً جوان‌اند و بیست سال است که مأموریت آن‌ها تغییر کرده است.

توجه کنید تغییر در نهادی مانند دانشگاه به دلیل مسایل دانشی و لختی آن بسیار سخت است؛ به عبارتی زمانی که سازمانی از حالت آموزش محور به پژوهش محور تبدیل می‌شود، نیاز به سازوکار، نیروی انسانی، عضو هیئت‌علمی آموزش دیده و در کنار همه این‌ها نیاز به زمان دارد. الحمدالله

دانشگاه‌ها بعد از گذشت بیست سال با نرخ قابل قبولی پژوهشی شده‌اند.

مسئله دیگر، مأموریت فناوری در دانشگاه‌هاست، قاعده‌تاً مأموریت فناوری از بیست سال پیش شروع شده، اما به دلیل عدم تسلط دانشگاه به موضوع فناوری و عدم وجود نیروی انسانی توانمند آشنا به این مقوله جدی دنبال نشده است.

در تحقق مأموریت دانشگاه‌ها در مسئله فناوری، پارک‌های علم و فناوری بسیار تأثیر گذارند، در کشور ما حدود ۱۶ سال از شکل‌گیری این نهادها می‌گذرد. در واقع جوان‌های دانشگاهی با استفاده از یادگیری مبانی پژوهشی فناوری‌های جدید در دانشگاه، می‌توانند شرکت‌های دانش‌بنیان را ایجاد کنند که از بطن پارک‌های علم و فناوری بیرون می‌آیند. با تعریف فوق از مأموریت دانشگاه‌ها در ایران، می‌توان چند دلیل اصلی برای عدم ناتوانی دانشگاه در حل مسایل کلان کشور عنوان کرد.

• در دانشگاه‌های بزرگ در دنیا، کلیه هزینه‌های دانشگاه توسط صنعت پرداخت می‌شود؛ به عبارتی صنعت مسایل خود را به صورت از قبل تعریف شده و از طریق ایجاد گزنت‌های پژوهشی به دانشگاه برونسپاری می‌کند، دانشگاه متناسب با مسئله، دانشجویان تحصیلات تکمیلی پذیرش می‌کند، به عبارتی دوره تحصیلات تکمیلی برای دانشجویان یک شغل است. در حالی که در ایران انتظار بر این است که مشکلات صنعت و دانشگاه یک طرفه از سمت دانشگاه حل شوند، دانشگاه بدون بنیه مالی، بدون گزنت و امکانات توان حل مشکل صنعت را ندارد. آیا بخش خصوصی توانسته یک طرفه کاری انجام دهد؟! بخش خصوصی در مقابل دریافت هزینه خدمات ارائه می‌دهد! چطور است که جامعه و صنعت انتظار دارد دانشگاه مشکلات آن‌ها را حل کند در حالی که هیچ‌وقت حاضر نبوده است هزینه‌های حل مشکل خود را بصورت

- ▼
- در ایران انتظار بر این است که مشکلات صنعت و دانشگاه یک طرفه از سمت دانشگاه حل شوند، دانشگاه بدون بنیه مالی، بدون گزنت و امکانات توان حل مشکل صنعت را ندارد. آیا بخش خصوصی توانسته یک طرفه کاری انجام دهد؟! بخش خصوصی در مقابل دریافت هزینه خدمات ارائه می‌دهد! چطور است که جامعه و صنعت انتظار دارد دانشگاه مشکلات آن‌ها را حل کند!**

واقعی به دانشگاه پرداخت کند!

• بخش خصوصی ارتباط لازم را با دانشگاه شکل نداده است، صنایع بزرگ ما، عموماً صنایع رانتهی هستند، منظور از رانت، رانت یارانه است نه رانت مسایل دیگر! صنعتی که از انرژی، حمل‌ونقل و امکانات دیگر به صورت رایگان استفاده می‌کند و در مقابل فاقد بهره‌وری لازم بوده و به بالادستی‌های خود پاسخ‌گو نیست و با هر شرایطی در حال فعالیت است و رؤسای آن از یک صنعت به صنعت دیگر نقل‌مکان می‌کنند و پاسخ‌گویی لازم را ندارند؛ چه طور انتظار می‌رود برای حل مشکلاتش به دانشگاه متوسل شود. در این زمینه موارد متعددی را سراغ دارم، اما از آنجایی که این فصلنامه به صورت عمومی چاپ می‌شود، ترجیح می‌دهم که سکوت کنم. دانشگاه شهید باهنر جهت ارتباط با بسیاری از بخش‌های جامعه و صنعت در استان پیش‌قدم شد، اما این مجموعه‌ها به نهاد دانشگاه بها ندادند.

در مجموع می‌توان گفت از سمت دانشگاه نیازمند پختگی و تجربه بیشتر اعضای هیئت‌علمی در زمینه پروژه‌های صنعتی هستیم، از سمت صنعت نیز نیاز است که در ابتدا انتخاب مدیران صنایع بر اساس شایسته‌سالاری انجام شود، به عبارتی مدیرانی که پژوهش محور باشند و برای حل مشکلات بنگاه‌های خود به پژوهش اعتنا و به دانشگاه اعتماد کنند، انتخاب شوند. در کنار این موارد ما به محیط مشترکی برای گفتگو نیاز داریم تا بتوانیم دانشگاه و صنعت را به یکدیگر نزدیک‌تر کنیم. اگر این موضوعات به صورت دو طرفه اتفاق بیفتد، دانشگاه به بطن جامعه رفته و مسایل را حل خواهد کرد، البته با روند طبیعی این کار حداقل در ۱۵ سال آینده اتفاق خواهد افتاد، اما اگر شتاب داشته باشیم، باید از سمت دانشگاه و صنعت انرژی لازم گذاشته شود تا بتوان سریع‌تر به هدف رسید.

حدود ۲۵۰۰

واحد دانشگاهی
باقی‌مانده که من
نام «قلک» را بر
آن‌ها قرار می‌دهم
که در واقع محلی
برای پول‌سازی
صاحبانشان
هستند؛ یعنی
کارخانه مدرک
فروشی‌اند که
از مدرک‌سازی
خراب‌تر است!

♦ **واقعیت این است که دانشگاه در ایران به کارخانه تولید مدرک تبدیل شده و محصول آن در وجه غالب فاقد خلاقیت، مهارت و آینده‌سازی است، چرا چنین است؟**

بخشی از این انتقاد را پذیرفته و بخشی دیگر را رد می‌کنم، در ابتدا باید تعریف مشخصی از دانشگاه‌ها در نریم استاندارد جهانی داشته باشیم، دانشگاه استاندارد به دانشگاهی گفته می‌شود که بر مبنای شاخص‌های تعریف شده بین‌المللی در بحث آموزش، پژوهش و فناوری اقدام و مطابق با مأموریت‌هایش حرکت و نیازهای جامعه را برطرف نماید. منظور شما از نهاد دانشگاه در این سؤال، نهاد دانشگاه با نرم تعریف شده جهانی است یا نهادی که در کشور ایران ساخته شده و نام دانشگاه را بر آن گذاشته‌ایم؟ با توجه

به آمار منتشر شده در ایران حدود ۲۶۰۰ واحد دانشگاهی با به عبارتی ۲۶۰۰ موسسه آموزشی و پژوهشی وجود دارد که به عنوان دانشگاه شناخته می‌شوند. از این تعداد دانشگاه در ایران، حدود ۱۰۰ دانشگاه استاندارد با تعریف نرم جهانی وجود دارد. اگر مورد سؤال، این ۱۰۰ دانشگاه استاندارد در ایران است، با نظر شما موافق نیستم چون ۱۰۰ دانشگاه استاندارد در ایران، رسالت آموزشی و پژوهشی خود را انجام و به مأموریت فناوری خود ورود و شروع به کار کردند که در چند سال آینده خواهیم دید که موجب شکوفایی جامعه خواهند شد. حدود ۲۵۰۰ واحد دانشگاهی باقی‌مانده که من نام «قلک» را بر آن‌ها قرار می‌دهم که در واقع محلی برای پول‌سازی صاحبانشان هستند؛ یعنی کارخانه مدرک فروشی‌اند که از مدرک‌سازی خراب‌تر است!

راهکار این وضعیت چیست؟ باید به عقبه تأسیس این دانشگاه‌ها برگردیم، متولیان این امر را شناسایی کنیم، چرا این دانشگاه‌ها ایجاد شدند؟ آیا در زمان ایجاد دانشگاه‌ها ضرورتی وجود داشته؟ اگر بله الان چرا در حال بازی نقش خود هستند؟ چه کسانی باید دانشگاه‌ها را سروسامان دهند؟ این سؤال‌ها و ده‌ها سؤال دیگر مطرح می‌شود که در حیطه اختیارات بنده نیست که بخواهم راجع به آن تصمیم بگیرم و یا صحبت کنم!

در حال حاضر شرایط به سمتی پیش رفته که دهات بزرگ برای گرفتن دانشگاه در حال رقابت هستند، خوب در این شرایط چه نتیجه‌ای به دست می‌آید، تنها راه‌حل این است دانشگاه‌ها را به حداکثر ۱۵۰ عدد محدود کرده و بقیه دانشگاه‌ها را حذف نماییم.

در مورد مهارت‌آموزی در دانشگاه شهید باهنر خلاهایی وجود داشت که دانشگاه در سال ۹۷ و ۹۸ بالغ بر ۶۰ هزار نفر - ساعت آموزش مهارتی جانبی از طریق ارتباط با انجمن‌های حرفه‌ای از جمله انجمن‌های مهندسی، دامپزشکی و با همکاری سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای برگزار کرد که عموماً رایگان بودند. در بخش خلاقیت نیز، آموزش کارآفرینی را با تعریف درس کارآفرینی برای اساتید و دانشجویان شروع کرده و در سال ۹۹ بیش از چند هزار نفر - ساعت آموزش‌های خلاقیت، کارآفرینی و مهارت‌های مرتبط برای دانشجویان به صورت مجازی برگزار شده است. دانشگاه تلاش خود را انجام می‌دهد و با ایجاد یک پلت فرم دانشجو را از لحاظ نظری و مفاهیم از یک‌طرف و از طرف دیگر از نظر مهارت‌آموزی در حد پایه آموزش می‌دهد، اما دانشگاه نمی‌تواند به‌طور مثال مهندس برقی تربیت کند که بدون گذراندن یک دوره کوتاه هم‌زمان بتواند به عنوان مثال در شرکت مس شهیدباهنر، شرکت کرمان تابلو و نیروگاه سیکل ترکیبی کار کند. دانشگاه

نشان می‌دهد فارغ‌التحصیلان کشور ما در مصاحبه‌هایی که از سمت آن‌ها برگزار می‌شود، موفق بوده‌اند.

در مجموع موافق نیستم اسم دانشگاه‌های غیراستاندارد را دانشگاه بگذاریم؛ این‌ها کارخانه تولید مدرک هستند و اگر کسی انتخاب می‌کند که در این دانشگاه‌ها درس بخواند، من نوعی به عنوان مسئول یک دانشگاه استاندارد نمی‌توانم مانع شوم. به عنوان فردی که مسئولیت کوچکی در دانشگاه شهید باهنر کرمان دارم، محکم می‌گویم محصول ما محصول بی‌کیفیتی نیست. در سه کشوری که در سؤال مطرح کردید صنایع گسترده‌ای وجود دارد و به تبع آن جنبه مهارتی برای فارغ‌التحصیلان در این دانشگاه‌ها تعریف می‌شود؛ به عبارتی سیستم دانشگاه‌ها در این کشورها Dual (دوگانه) است، یعنی دانشجویان همزمان با تحصیل در صنعت نیز کار می‌کنند، اما چرا صنایع بزرگ در کشور ما - با کیفیتی که قبلاً اشاره کردم - سمت دانشگاه‌ها نمی‌آیند، چند دلیل دارد، اول اینکه صنایع بزرگ احساس نیاز نمی‌کنند چون بهره‌وری برایشان اهمیت ندارد، از لحاظ مالی دستشان باز است و می‌توانند با صرف هزینه‌های بالا فناوری را از بیرون خریداری کنند و به دانش داخل که موجب تقویت دانشگاه‌های بومی می‌شود چشم ندارند. در مورد صنایع کوچک، این صنایع این‌قدر درگیر مسایل مربوط به جلوگیری از حذف خود در بازار هستند که دغدغه و شرایط مالی برای ارتباط با دانشگاه را ندارند. همچنین از دو سمت دانشگاه و صنعت اعتمادسازی صورت نگرفته است و این مسئله خود به عدم ارتباط دامن می‌زند به صورتی که هیچ‌وقت در گزینه‌های روی میز صنعت، اثری از دانشگاه نیست.

♦♦ **به نظر شما چرا ایرانیان حوصله مطالعه و کتاب خواندن ندارند؟**

این مسئله یک مسئله فرهنگی است و اگر بخواهیم در این زمینه اقبالی صورت گیرد باید از لحاظ فرهنگی ریشه‌یابی شود. اول اینکه چه تعداد از خانواده‌های ایرانی کتاب می‌خوانند که بچه‌های آن‌ها یاد بگیرند و کتاب بخوانند؟! دوم اینکه در مشوق‌های که والدین برای فرزندان در نظر می‌گیرند چه قدر کتاب وجود دارد؟! جواب هر دو سؤال نشان می‌دهد که ریشه نبود این فرهنگ در خانواده است. در دنیای امروز، آموزش از حالت نظری به آموزش عملی تغییر یافته؛ به عبارتی در جامعه امروز، نصیحت را کسی بر نمی‌تابد. علاوه بر خانواده، مدارس نیز باید رویکرد تحقیق و پژوهش را دنبال کرده و دانش آموزان خود را فقط محدود به کتاب‌های درسی نکنند و شرایطی ایجاد نمایند تا بستری برای فکر کردن و بروز خلاقیت در بچه‌ها فراهم شود.

می‌تواند و باید مهندسی را تربیت کند که مهارت‌های پایه‌ای لازم را داشته، خلاقیت بالا داشته، مجهز به تفکر حل مسئله بوده و در زمان ورود به یک شرکت نوعی با یک یا دو ماه آموزش قابلیت کار را بیابد.

♦♦ **تعداد دانشگاه‌های ایران بیش از ۶۰۰ دانشگاه از مجموع دانشگاه‌های آلمان، انگلیس و ژاپن بیشتر است، به نظر شما علت این فزونی حیرت‌انگیز تعداد دانشگاه‌ها چیست و دیگر این‌که شما چه تحلیلی از محصول دانشگاه‌های ایران در مقایسه با مجموع سه کشور مزبور دارید؟**

• دلیل اول؛ توسعه افسارگسیخته دانشگاه‌ها می‌باشد که ناشی از زد و بندهای سیاسی است و نتیجه آن وجود ۲۵۰۰ دانشگاه بی‌کیفیت در ایران است که باید چاره‌اندیشی شوند، اما اینکه چه کسانی باید چاره‌اندیشی کنند به شورای عالی انقلاب فرهنگی برمی‌گردد که اخیراً آمایش آموزش عالی در دانشگاه‌ها را شروع کرده است و برنامه‌هایی در این زمینه در نظر گرفته است، اما با توجه به دستورالعمل‌های ابلاغی به اعتقاد بنده برنامه‌ها ناکارآمد خواهند بود. با این وجود باید دو تا سه سال فرصت داد تا از برنامه‌ها تست گرفته شود. امیدواریم من اشتباه کرده باشم و این برنامه‌ها نتیجه خوبی داشته باشد و اصلاحی در خصوص وضعیت آموزش عالی صورت بگیرد.

• مسئله دوم وجود تعارض منافع در تصمیم‌گیری‌ها در آموزش عالی است. متأسفانه بسیاری از تصمیم‌گیران این امر خود صاحبان دانشگاه‌های بی‌کیفیت در ایران هستند و خودشان اجازه نمی‌دهند برخی از دانشگاه‌ها منحل شده و آن‌طور که باید و شاید مجموعه آموزش عالی سامان‌دهی شود.

• مسئله سوم به نمایندگان مجلس برمی‌گردد. در ایران دانشگاه به منزله نماد توسعه شناخته شده است و نمایندگان مجلس در تلاشند برای حوزه انتخابی خود تعداد واحدهای دانشگاهی را افزایش دهند. البته در این مرحله کسی به آسیب‌های این واحدهای تازه تأسیس دانشگاهی نمی‌اندیشد. برای مثال در بسیاری از شهرستان‌ها دانشگاه‌های بی‌کیفیت تأسیس شده و در حال فعالیت هستند و نمایندگان مجلس در این شهرستان‌ها در عین اینکه نسبت به عدم اشتغال فارغ‌التحصیلان شاکی‌اند، اجازه نمی‌دهند دانشگاه مذکور ساماندهی یا تعطیل شود.

محصول دانشگاه‌های بزرگ در کشور ما، در حد استاندارد جهانی است؛ برای مثال از آزمایشگاه که تحت سرپرستی اینجانب است، سالانه چندین نفر در کشورهای پیشرفته جهت ادامه تحصیل جذب می‌شوند. با توجه به این‌که جذب دانشجو در این کشورها سرمایه‌گذاری زیادی را می‌طلبد،

مسئله دوم وجود

تعارض منافع در

تصمیم‌گیری‌ها

در آموزش عالی

است. متأسفانه

بسیاری از تصمیم

گیران این امر

خود صاحبان

دانشگاه‌های

بی‌کیفیت در

ایران هستند و

خودشان اجازه

نمی‌دهند برخی

از دانشگاه‌ها

منحل شده و

آن‌طور که باید و

شاید مجموعه

آموزش عالی

سامان‌دهی

شود.

◆ چرا تفکر بهره‌وری و غالب شدن این نگرش در جامعه ایران وجود ندارد و یا ضعیف است؟

به اعتقاد بنده عدم فرهنگ‌سازی در دو نهاد خانواده و مدرسه دلیلی بر نبود تفکر بهره‌وری در جامعه ماست. خانواده‌ها ساعت‌های طولانی را صرف تلویزیون و شبکه‌های مجازی می‌کنند و حاضر نیستند یک کتاب در دست بگیرند و یک صفحه بخوانند.

◆ به نظر شما آموزش عالی به طور واقعی چه تأثیری بر الگوی فقرزدایی در کشورمان داشته است؟

دانشگاه تا حدودی در مورد فقرزدایی، مسایل فرهنگی و به اصلاح نرم‌افزاری ورود کرده و کارهایی را انجام داده است. دانشگاه با تربیت فارغ‌التحصیل باکیفیت، قاعدتاً روی مسایل فرهنگی و دیدگاه‌های مردم تأثیر می‌گذارد، اما در خصوص فقرزدایی، زمانی که نیروی انسانی توانمند می‌شود، توانمندسازی در ذات خویش رهایی از فقر به صورت بالقوه دارد، اما برای اینکه توانمندی بالفعل شود، تکیه بر دانشگاه نیست. از جمله ظلم‌هایی که به دانشگاه شده، این است که حل مسئله اشتغال را از دانشگاه انتظار دارند و به این که پارامترهای کلان اقتصادی به هم ریخته است، وجود رکود در بازار، عدم ثبات ارز، وجود تحریم‌ها، وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر، مشکلات ورود و خروج پول و کالا در کشور و مهم‌تر از همه درگیری صنایع بزرگ و کوچک روی مسایل ریزودرشت از جمله تولید و فروش، عدم توان توسعه صنایع و ... توجه نمی‌کند و همه فشار را بر گرده دانشگاه قرار می‌دهند و این که چرا دانشگاه برای اشتغال یا فقرزدایی اقدامی انجام نداده است؟! آیا تمام ذی‌مدخلان این حوزه کار خود را به صورت کامل انجام می‌دهند و دانشگاه فقط خلل ایجاد می‌کند؟ در واقعیت دانشگاه جزو نهادهایی در

ایران است که بالای ۸۰ درصد فعالیت‌های مربوط به حوزه خود را به خوبی انجام داده است، البته دانشگاه با مفهوم استاندارد نه دبیرستان‌هایی که درست کرده‌ایم و اسم آن را دانشگاه گذاشته‌ایم! در مجموع نهاد دانشگاه در یک اکوسیستم در حال فعالیت است و باید دانشگاه را با سایر نهادهای فعال در این اکوسیستم مقایسه و بعد قضاوت کرد که دانشگاه بر پایه مأموریتی که برای آن تعریف شده است، نقش خود را درست بازی کرده است یا خیر. البته نمی‌توان گفت این نقش به صورت صد درصد بازی شده و دانشگاه ضعف‌هایی دارد که باید برای رفع آن تلاش کند. در حال حاضر در دانشگاه‌ها برنامه‌های زیادی شروع شده، از جمله برند سازی، بین‌المللی سازی و توانمندسازی اعضای هیئت‌علمی به صورت جدی دنبال می‌شود و دانشگاه‌ها در حال سوئیچ از نسل دوم به نسل سوم و چهارم هستند که در آن تکیه بر حل مشکلات جامعه و خلق ثروت است. این برنامه‌ها حدود چهار سال است که شروع شده و نیاز به زمان دارد که به بلوغ خود برسد.

◆ در کل توسعه در یک کشور محصول چه رفتار و تصمیماتی است؟

در بحث توسعه، توسعه منابع انسانی و توسعه فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در حال حاضر آنچه که به توسعه در کشور ما کمک می‌کند، مسایل اقتصادی است که بسیار مغفول مانده است. زمانی دیدگاه بنده بر این بود که «اگر بخواهیم یک کشور بالنده داشته باشیم، ابتدا باید مسایل فرهنگی و سیاسی را حل کنیم»، اما در حال حاضر نگرش و دیدگاه من عوض شده و اعتقاد دارم «اگر می‌خواهیم کشور را از این شرایط نجات دهیم، همه مسایل را باید از دید اقتصادی نگاه کنیم؛ به عبارتی باید معیشت



هیئت‌علمی حدود ۲,۵ است (به ازای هر عضو هیئت‌علمی ۲,۵ مقاله منتشر می‌شود). اگر همین ضریب را برای سایر دانشگاه‌ها در استان که بالغ بر ۱۱۰ دانشگاه در استان وجود دارد، بررسی کنیم در بعضی به عدد صفر می‌رسیم.

در سال ۲۰۲۰، در دانشگاه ۹۴۵ مقاله WOS چاپ شده است که این میزان فوق‌العاده است؛ یعنی به ازای هر عضو هیئت‌علمی حدود ۱,۵ مقاله ISI منتشر می‌شود که نشان می‌دهد نرم آموزشی و پژوهشی دانشگاه خوب است.

اکثر مدیران و کارشناسان صنایع استان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه شهید باهنر هستند، بنابراین دانشگاه در تربیت نیروی انسانی نیز مؤثر عمل کرده است.

موارد بالا نشان می‌دهد که دانشگاه شهید باهنر تا حدی به استانداردهای لازم رسیده است، در بحث فناوری مقداری عقب هستیم، چون حدود سه سال است این بحث در دانشگاه کلید خورده است و شک ندارم که در دانشگاه شهید باهنر با وجود تأسیس مرکز رشد و تلاش برای راه‌اندازی مرکز نوآوری، در یک دهه آینده از بعد فناوری در جایی خواهد بود که امروز از لحاظ پژوهشی است.

در پایان از آنجایی که این فصلنامه عموماً توسط صنایع خوانده می‌شود، عرض می‌کنم که دانشگاه شهید باهنر متعلق به آنهاست، اگر کاستی‌هایی داریم کمک کنند که کاستی‌هایمان را برطرف نماییم و اعتقاد بر این دارم اگر دانشگاهی بالنده باشد، از داخل آن نیروهای خلاق و ماهر به وجود می‌آیند که می‌توانند صنایع را تغذیه کنند و استارت‌آپ‌های جدی ایجاد و موجب رونق اقتصادی در استان شوند. از صنایع می‌خواهم با دانشگاه کمی مهربان‌تر باشند و مسایل و مشکلاتشان را به دانشگاه بیاورند و مطمئن باشند در حد توانمان کمک می‌کنیم و آماده شنیدن هر نوع نقدی هستیم. ♦♦

● عکس: حسن فرجامی ●

مردم را محور قرار داده و تصمیمات و رفتارهایمان منجر به گامی جهت پیشرفت مردم باشد.» چرا کشوری که در خیلی از مسایل پیشگام است، اقتصادی به این شکل دارد، اگر بخواهیم جامعه به سمت توسعه هدایت شود باید از سمت اقتصاد به مسایل بیندیشیم.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان نمایید.

مأموریتی که هیئت‌امنا و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای دانشگاه شهید باهنر تعریف کرده است، تربیت نیروی خلاق، ماهر و کارآفرین برای حل مشکلات جامعه است و یکی از کلیدی‌ترین شاخص‌های این موضوع پیوستن دانشگاه شهید باهنر به جمع ۱۰۰۰ دانشگاه برتر بود. الحمدلله با توانمندی که دانشگاه شهید باهنر داشت، وارد ارزیابی‌های بین‌المللی شدیم، البته باید به این نکته که ارزیابی‌های بین‌المللی نباید دانشگاه را منحرف کند، توجه نمود، اما این شاخص‌ها به‌مثابه یک چراغ راهنما برای بررسی وضعیت دانشگاه است. دانشگاه شهید باهنر در رتبه‌بندی لایدن، رتبه ۹۰۴ تا ۹۰۶ را بدست آورده است. در رتبه‌بندی تایمز که در دنیا به آن اتکا می‌شود دانشگاه شهید باهنر ورود کرده و رتبه ۱۰۰۰ پلاس (بین ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰) را کسب نموده است. این رتبه‌بندی شامل شاخص‌هایی است که دانشگاه در شاخص آموزشی رتبه ۱۱۶۰، پژوهشی حدود ۸۰۰، ارتباط با صنعت - علی‌رغم اینکه ارتباط لازم بین صنعت و دانشگاه شکل نگرفته - حدود ۵۴۰ را بدست آورده، در شاخص چشم‌انداز بین‌المللی ضعیف هستیم و رتبه ۱۲۶۰ را کسب کرده‌ایم. ورود به رتبه‌بندی‌های فوق‌الذکر به دانشگاه خیلی کمک کرده و در این راستا دانشگاه تلاش کرده ضعف‌های خود را شناسایی و برای رفع آن برنامه‌ریزی نماید.

در دانشگاه شهید باهنر سرانه تحقیقات به ازای هر عضو

